

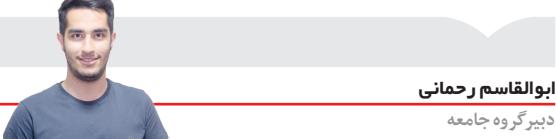
«فرهیختگان» پیشنهاد می دهد

تغییراتی که مرکز پژوهش ها باید در طرح صیانت بدهد

می شنویم، چهار ستون بدن مان از وقوع یک فاجعه جدید می لرزد. پیرو همین اتفاق و آغاز دوباره جلسات کارشناسی، گفت وگویی با عمادالدین پاینده، پژوهشگر آزمایشگاه داده و حکمرانی انجام دادیم و ضمن بررسی وضع موجود، ایرادات وارد به طرح فعلی را بررسی و راهکارهایی برای حرکت به سمت وضع مطلوب ارائه کردیم.

را هم عن قرب از دست خواهند داد. به هر شکل همان طور که گفتیم و می دانید، این طرح دوباره به خانه اول، یعنی مرکز پژوهش های مجلس برگشته و طبق اخبار رسیده هم، از روز گذشته، جلسات کارشناسی این طرح برای بازگشت دوباره به خانه ملت آغاز شده است و خب آنقدر در نسخ قبلی، فشار و نگرانی به جامعه تزریق شد که تا نام صیانت را

حتما هنوز ماجرای طرح صیانت و آن همه حواشی و اتفاقات پیرامون آن و تصمیماتی که گرفته شد و سرآخر هم به خانه اولش بازگشت را فراموش نکرده‌اید. هنوز یادتان هست چه بلبشویی به پا شد و چه فشار و استرسی به صاحبان کسب وکارهای اینترنتی و کاربران فضای مجازی وارد شد که همین اینترنت نیم بند و این شبکه های اجتماعی نیمه فیلتر



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

برای سامان بخشیدن به فضای مجازی نیازمند یک حکمرانی ۴ سطحی هستیم

پاینده در ابتدا و در تشریح صورت مساله گفت: «محوریت بحث را روی این قرار دهیم که چنین دستاوردی (بازگشت طرح به مرکز پژوهش های مجلس) حاصل شده و بعد از کش وقوس های فراوان مطالبات عمومی، مطالبات و اظهارنظرات نجبگان و مخالفت جدی برخی از نهادهای ذی نفع در حوزه فضای مجازی مثل وزارت ارتباطات مفید فایده واقع شد، اتفاقی که در دو هفته گذشته افتاد این بود که تصویب شد تا درباره کلیات نسخه ۴/۲۶ طرح صیانت رای گیری نشود. این در صورتی بود که کل نماینده ها به ریاست و با نظر خاص تاقی زاده که ریاست کمیسیون ویژه را برعهده دارد، اصرار کردند که حتما درباره کلیات طرح ۴/۲۶ رای گیری شود و اصلاحات از مسیرهای مختلف بعد از این امر اتفاق افتد. اما حالا که این اتفاق به حول و قوه الهی ملغی شد و خب خیلی اتفاق خوبی هم بود بعد از این، مدنظر است که مرکز پژوهش های مجلس به عنوان نهادی که این وظیفه خطیر تجمیع نظر نجبگان، صاحب نظران، اصحاب صنعت و نهادهای مختلف ذی نفع در این حوزه به آن واگذار شده باید چه کند؟ این به نظر من صورت و محور کلی بحث است. اگر این را به عنوان محور اصلی کار بپذیریم نکته ای که وجود دارد این است که سعی می کنم به جای اینکه اشاره کنم در نسخه جایگزین این اتفاقات افتاده، با این ادبیات پیش بروم که بهتر است این اتفاقات بیفتد. یک نکته بسیار مهم؛ بولت اول یا محور نخست ذیل این پرسش کلان و موضوع اصلی مطرح شده است که آیا اساسا به لحاظ ساختاری و نهادهی می توانستیم با نسخه ای که توسط طرح ۴/۲۶ (طرح صیانت) ترویج و توصیه می شد به تغییر مثبتی در تقویت و بهبود و ارتقای حکمرانی فضای مجازی کشور امیدوار باشیم؟ پاسخ این سوال خیر است، چون همان طور که متخصصان قبلا به این موضوع مکررا مختلف اشاره کردند، ازجمله ما هم در مصاحبه ها درباره این صحبت کرده بودیم. تلفیق، التقاط و درهم آمیزی بین شئون سیاست گذاری، خط مشی گذاری کلان، مقررات گذاری، تنظیم گری و اجرا اتفاق افتاده بود. این درحالی است که تحقیقاتی در کشورهای دیگر انجام شده و در معماری فضای مجازی بازنگری داشته اند، اما قدم محدود به کشورهایی همچون چین و روسیه یا رویکردهای خاص سیاسی نیست

مرکز پژوهش ها باید رویکردهای چابک تری را در طرح جدید بگنجاند

پژوهشگر آزمایشگاه داده و حکمرانی ادامه داد: «دو محور دیگر در اینجا به ذهنم می رسد که باید بدان اشاره شود. یک مورد که جزء محورهای محل چالش و اختلاف بود اسکوپ بود. هر طرحی یک اسکوپ یا یک دامنه و قلمرو شمولیت دارد. اسکوپیی که درباره طرح نسخه ۴/۲۶ در نظر گرفته شد خدمات پایه و کاربردی بود. این اسکوپ از چند جهت محل ایراد است. از این جهت که ما درباره چیزی حرف زدیم که در حال تغییر است. یک زمانی از عبارت سرویس یا خدمت استفاده می کردیم و می توانستیم با اطمینان بیان کنیم بخش قابل توجهی از آنچه در فضای مجازی وجود دارد را پوشش دادیم اما الان این چنین است؟ آیا اسکوپ ما مسائل حوزه مجازی را که لزوما سرویس نیستند، پوشش می دهد؟ نکته دیگر که کاملا مکمل این مساله است، آیا با سرویس و خدمت باید سروکار داشته باشیم یا باید با ارائه دهنده خدمت سروکار داشته باشیم؟ آن کسی که محل قانون گذاری قرار می گیرد ارائه دهنده سرویس باشد تا بخواهیم درباره خود سرویس صحبت کنیم و علت سوم که این را برای ما ناکارآمد می کند، این است که خدمات پایه و کاربردی اساسا چه توجیهی برای ما می تواند داشته باشد که فقط به خدمات پایه و کاربردی متمرکز شویم؟ وقتی می توانیم یک معماری ۴ سطحی و یک سسند و قانون کلان برای ساختار حکمرانی فضای مجازی کشور داشته باشیم چرا اسکوپ فضای مجازی را داخل این قرار ندهیم؟ ممکن است سوال پیش آید این بدتر شد. من خدمت شما عرض می کنم که چنین نیست. به نظر می رسد مرکز پژوهش های مجلس اگر بخواهد معماری ۴ سطحی را مدنظر قرار دهد، می تواند از اسکوپ تنظیم گری نهادهای تنظیم گری بخشی استفاده کند. یعنی به جای اینکه براساس یک سری معیارهای پیشینی رویکردی قابل تغییر و سیال اتخاذ کند می تواند رویکرد پسبینی یا رویکرد چابک تر و به هنگام تری را اتخاذ کند که آن رویکرد می تواند استفاده از اسکوپ نهادهای تنظیم گری بخشی مثل ساترا، بانک مرکزی، وزارت ارشاد و... باشد. یا در نظر گرفتن اسکوپ فعالیت اینها ضمانتی برای به روز رسانی اسکوپ قانون داشته باشد. طبیعتا دایره اسکوپیی که برای قانونی در فضای مجازی در نظر می گیریم، اگر بخواهد مبتنی بر یک سری معیارهای پیشینی تعریف شود می تواند ما را اسیر یک نوع محدود شدن و از دست رفتن آن قدرت و اثرگذاری قانون کند. بحث دیگری وجود دارد که متمرکز شدن بر خدمات شبکه ملی اطلاعات یا متمرکز شدن ارائه دهندگان خدمات فضای مجازی می تواند پیشنهادهای بهتری باشند. تعریف آنها به نحوی باشد که اسکوپ یا قلمرو شمولیت نهادهای تنظیم گری بخشی را داخل خود داشته باشد و براساس آن تغییر کند. نکته سوم در باره قلمرو شمولیت بسیار اهمیت دارد.»

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی - **مدیر مسئول:** محمد امین ایمانجانی - **سردبیر:** مسعود فروغی
دفتر مدیر مسئول: ۰۱۶۳۸۰۱۶۰ - **تحریریه:** ۰۱۸۲ - ۰۱۸۰۸۰۰ - ۰۱۶۳۶۰۰۸۰ - **فکس:** ۰۱۶۳۶۰۰۴۷ - ۰۱۶۳۶۰۰۵۱
روابط عمومی: ۰۱۶۳۸۰۴۹۹ - ۰۱۶۳۶۰۰۸۰ - **سازمان آگهی ها:** ۰۱۶۳۸۰۴۱۸
چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی - **توزیع فرهیختگان:** ۰۱۶۳۸۰۱۰۱۲
نشانی: خیابان حافظ، پالین تر از چهارمهری، رویه روی ساختمان پورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

باید تغییراتی در مکانیسم حمایت در طرح صیانت ایجاد شود

نحوه مکانیسم تخصیص آن به نحوی که فساد نداشته باشد و انحصارطلبی نباشد و به توسعه واقعی اقتصاد دیجیتال کمک کند، بسیار اولی تر نسبت به ایجاد آن صندوق است و طبیعتا استفاده از ظرفیت نهادهای تنظیم گری بخشی که مستقیما با بازار طرف هستند می تواند خیلی مهم باشد که وزن اینها را مرکز پژوهش ها در تصمیم گیری های مبتنی بر این صندوق اساسا افزایش دهد. موارد دیگری نیز وجود دارد که بدان نمی پردازم. یک جمع بندی دو سه جمله ای دارم که درمورد سازماندهی و بازطراحی ساختار فضای مجازی کشور، در اهمیت و ضرورت آن هیچ تردیدی وجود ندارد. اینکه ما نیاز به معماری داریم که شورای عالی مرکز ملی ما را بتواند در جایگاه درست قرار دهد و نهادهای دیگر ما را از تعارض و تشتت و موازی کاری های نهادهی دور کند و مواجهه مردم ما با اینترنت و فضای مجازی و مواجهه بخش خصوصی ما با نهادهای ذی نفع و سیاست گذار و تنظیم گر در این حوزه را سیستماتیک و نظام مند کند جزء اجباتی است که در حوزه قانون گذاری داریم. همچنین در ارتباط با حمایت از اقتصاد دیجیتال و حمایت از پلتفرم های داخلی ما در مسیر ایجاد شبکه ملی اطلاعاتی که بتواند ضامن اثرگذاری ما در جهان و منطقه باشد و به رویکردهای تمدنی ما کمک کند تردیدی وجود ندارد اما باید در نظر داشت در شرایطی که به لحاظ مالی و به لحاظ اختیارات در یک دوگانه قرار می گیریم که از نهادهای انتخابی چیزهایی بگیریم و به نهادهای انتصابی بدهیم، عمده آن چیزهایی که چه از جنس اختیار و چه از جنس بودجه ای می گیریم از وزارت ارتباطات و زیرمجموعه های آن گرفته می شود، باید حواس مرکز پژوهش های ما باشد که وزارت ارتباطات ما در یک برهه بسیار حساس و تعیین کننده قرار دارد. از این جهت که توسعه اینترنت ثابت بیش از هر زمانی برای کشور در اولویت است و شبکه ما دچار اختلالاتی می شود و ظرفیت اینترنت همراه ما به حد نهایت خود رسیده و در مسیر توسعه اینترنت همراه و ثابت چالش های جدی وجود دارد که قطعا چالش هایی در سطح ملی حساب می شوند. همچنین به جرات می توان گفت روند صعودی و قابل تحسین پیشرفت هایی که در برخی از حوزه های ارتباطی و اطلاعاتی همچون پژهای بانکی، کیفیت اینترنت همراه، دسترسی پذیری اینترنت، دسترسی پذیری گوشی های هوشمند و... مثبت بود و این روند خوب و قابل اتکا در حد کشورهای درحال توسعه و منطقه بود که این موضوع با مخدوش شدن و اختلال رویه وی می شود و طبیعتا درنظر گرفتن این موضوع در نگارش بندها و اصلاح بندهای طرح حمایت بسیار مورد اهمیت و ضروری است که باید در این دوگانه دقت داشته باشیم.»

پاینده به مساله حمایت گری که مورد توجه طراحان طرح صیانت هم بود اشاره کرد و گفت: «نکته بعدی که وجود دارد بحث مکانیسم حمایت است. مهم ترین مکانیسم حمایتی که در طرح قبلی وجود داشت بحث صندوق بود. بحث صندوق در درجه اول صندوق حمایت از توسعه فضای مجازی سه گزاره یا سه مطالبه مهم و اصل مهم را باید در نظر داشته باشد. مطالبه ای که از بخش خصوصی، صاحب نظران و مرکز پژوهش ها وجود دارد این است که تحت هیچ شرایطی اجازه ندهند تصدی گری و برون سپاری های دولت محور که همگی خلاف سیاست های کلی اصل ۴۴ هستند و برآیند همگی بازتولید ایران خودرو و بسیاییایی هایی در فضای مجازی باشد، اتفاق افتد و از این موضوع اجتناب کنند که اگر فلان اتفاق نیفتاد وزارت ارتباطات، مرکز ملی یا فلان نهاد راسا اقدام به ایجاد فلان محصول کند، چون می دانیم سرنوشت این محصولات خواهد بود و به جای آن متمرکز بر ایجاد و حمایت از مزیت های رقابتی بومی و مزیت های رقابتی داده محور برای پلتفرم ها شود. تمرکز کردن و ترویج حمایت های مبتنی بر مقیاس پذیری باشد، به این معنا که در صورت مقیاس پذیری پلتفرم ها بتوانند جایزه صادراتی، حمایت ها و تسهیلاتی دریافت کنند که این هم با رویکرد تمدنی نوین ما که موکدا مورد نظر آقا ست، سازگارتر است که در منطقه حرفی برای گفتن داشته باشیم و بتوانیم نگاه اشاعه داشته باشیم. مهم تر از همه اینکه بازار را اساسا از آفت هایی که می تواند از حیث انحصار و رفتارهای ضد رقابتی اتفاق افتد، تهی کنیم. گزاره سومی که درباره حمایت وجود دارد این است که مرکز پژوهش های مجلس به این نکته حتما توجه داشته باشد، بودجه ای که برای صندوق استفاده می کند، ماده واحد قانونی است که در اصل در ذات خود ذکر شده که این بودجه باید صرف توسعه اینترنت روستایی شود. اولاً این مسئولیت اجتماعی برعهده مراکز اجتماعی است و باید روی این تاکید شود که بتواند تضمین کند اگر این بودجه به صندوقی می آید مجددا در راستای اهداف عدالت محور، عدالت دیجیتال، عدالت در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و حرکت در مسیر دسترسی عمومی گام بردارد و این بودجه صرف تجاری سازی و امثالهم و مواردی که ممکن است باعث بهره مندی دولت شود یا باعث فساد شود، نشود. ثانیاً اینکه این بودجه سقف داشته باشد. به جای استفاده از واژه حداقل عبارت حد اکثر یا عبارت های تعیین شده داشته باشد. مثلا صرفا ۳۰-۲۰ درصد از این بودجه در اختیار صندوق قرار گیرد. این صندوق اگرچه برای حمایت کردن خیلی اهمیت دارد اما باید در نظر گرفت منابعی که در داخل این صندوق می آید، چه نحوه مصارف چه

قدیم ها این طور بود ...

سر پاکت سیگارش را جدا می کرد و بی وقفه سیگار می کشید و خوشمزه ترین سیب زمینی سرخ کرده های دنیا را درست می کرد. آن مرد که ساندویچی اش در خیابان بهشتی معروف بود و تنها انگیزه ما بود برای تحمل خستگی گشت و گذار از راهروهای تودرتوی نمایشگاه کتاب. فریدون مهربانی که با کمی بی انصافی فری کثیف صدایش می زدیم خاطره مشترک یک شهر بود، یعنی یک جورهایی بخشی از همان حافظه تاریخی شهر که درباره اش گفتم. آقا داوود دومین نفری است که با رفتنن این حال را پیدا کردم. حال اینکه مرگ حتی از مدرنیت هه قوی تر است. همه آن قهرمان هایی که سنگر حافظه تاریخی شهر را حفظ کرده بودند حالا داشتند جلوی مرگ تسلیم می شدند. خیابان ایتالیا شاید نمیرد اما آقا داوود و فریدون مهربانی زورشان به مرگ نمی رسید.

واقعیت دردناک بود، اما یادم آقا داوود پیتزا داوود با خلق و مرامش آنقدر

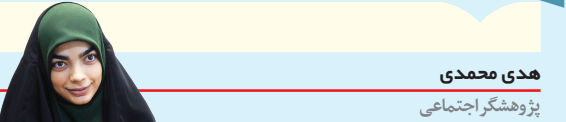
برایمان خاطره ساخته و در ذهن مان جا گرفته که حتی با تسلیم شدنش در

براسر مرگ، بازهم در حافظه تاریخی این شهر بماند، بماند با عنوان «اولین

پیتزافروشی تهران».

جایشان را به برج ها دادند و از هویت تهی شدند. اتوبان ها، خیابان هایمان را صاف کردند و بچه هایمان چند سالی می شود که به جای کوچه، وسط تقاطع اتوبان ها روی چمن های مصنوعی به توپ های چهل تکه شوت می زنند.

حالا در این تهران که نفس تاریخش گرفته و هر روز بی هویت تر می شود و یک آلزایمر شدید هر روز بخش قابل توجهی از حافظه تاریخی اش را پاک می کند، مجرای تنفسی غنیمت است! مجرای تنفسی گاهی خیابان هایی هستند که تن به این مدرن سازی ندادند و همان ولیعصر و ایتالیا و ۱۸ تیری که بودند، ماندند و گاهی مغازه ها و کافه ها و رستوران ها. نادری یکی از همین کافه ها ست، هنوز که هنوز است صندلی هایش بوی ۱۳۳۰ می دهد. می دانید؟ اینجا پای یک مفهوم دیگر باز می شود. همان قدر که مکان به شهر هویت می دهد و حافظه



هدی محمدی

پژوهشگر اجتماعی

قدیم ها این طور بود، از شمال، از جنوب، از آذربایجان شرقی و غربی، از خراسان تا لرستان و کردستان وقتی می آمدند تهران یک عکس با میدان آزادی می گرفتند و این جدی ترین سند سفر آدم ها به کلانشهری به نام تهران بود. این خاصیت زیست شهری است، مکان ها وزن پیدا می کنند، مهم می شوند و بخشی از معنایی به نام زیست شهری را خلق می کنند. همین «معنا بخشی» کاری می کند که مکان ها بخشی از حافظه شهر را بسازند و بشوند سنجاقی که «شهر» را به حافظه ساکنانش یعنی «شهر ندان» پیوند می دهد و چقدر حفظ این حافظه سخت است. تهران در حفظ حافظه شهری شرایط پیچیده تری در مقایسه با باقی شهرها دارد. سال هاست که پنجه های مدرنیته بی رحمانه حافظه تاریخی تهران را هدف قرار داده اند و هر روز و هر ساعت بخشی از آن را از بین می برند. ساختمان های یک به یک